

فرانسوی ها و دیگران غارت کردند، ... بقیه از ص ۵

متولیان امر وقتی پای صحبت پیش می آید، چنان ایرانی دو آتش می شوند که شما می مانید، مگر می شود آدمی این قدر وطن پرست باشد! و چون پای عمل پیش آمد، فاصله از زمین تا ماه خواهد بود؛ و در نهایت شما را در برابر کاری انجام شده، قرار می دهند که جز حسرت خوردن چاره دیگری نخواهید داشت. اگر بخواهیم فهرست وار به آثار نابود شده طی ۲۵ سال گذشته اشاره کنیم، فهرستی رنج آور خواهد شد که جز دریغ چیزی نمی توان گفت!

بسیاری از ایرانیان وطن پرست در گوشه و کنار ایران و جهان به احداث سد سیوند که نابودی آثار باستانی را در پی خواهد داشت اعتراض کرده اند. آیا این اعتراضات ره به جایی خواهد برد؟ البته که نه! مگر جهانیان برای نجات «مجمعه بودا» در بامیان افغانستان از دست طالبان اعتراض نکردند؟ بسیاری حاضر بودند مبالغی هنگفت در اختیار طالبان قرار دهند که این مجسمه بر جای بماند، اما در عصر ما، جهالت همیشه بر دانایی پیشی می گیرد.

چرا باید در این زمان که همه ایرانیان، پی به ارزش یادمان های نیاکان خود برده اند و ده ها انجمن حمایت از آثار باستانی در ایران و جهان فعالیت دارند، این گونه سست و بدون برنامه عمل کنیم و لاجرم چشمان حسرت بارمان شاهد به زیر آب رفتن میراث پدرانمان باشد؟ در گذشته از سر نادانی میراث ما سنگین تر و شرمساری ما در برابر آیندگان صد چندان است. ✖

مملکت دارد از دست می رود ... بقیه از ص ۱

همچنین نشریه جبهه ملی که بصورت ماهنامه زیر عنوان "جبهه ملی" با کوشش هیأت تحریریه متشکل از آقایان هوشنگ کردستانی و مسعود هارون مهدوی در خارج از کشور نشر می شود که با استقبال هموطنانمان بویژه در داخل کشور روبرو شده است. هدف از این فعالیتها در مرحله نخست روشنگری نسبت به هدفهای جبهه و نیاز مبرم به همبستگی نیروهای ملی است. در این مورد شمار زیادی از ایرانیان وطن دوست بویژه جوانان، ما را یاری داده اند.

در طول این مدت مهمترین کار انجام گرفته این بود که با توجه به نیاز جامعه دور از همه کدورت های پنجاه سال گذشته در ارتباط با برکناری حکومت جمهوری اسلامی و برقراری یک نظام مردم سالار و سکولار، سیاست همکاری با همه گروه های سیاسی را پیش گرفتیم که نتیجه آن مثبت بوده و مورد تأیید مردم قرار گرفته است.

بعد از برگزاری جلسه کلن و مطالعه مطالب درج شده در نشریه شماره ۸۵۷ و ۸۵۹ نیمروز و بویژه متن سخنرانی آقای دکتر داورپناه با مطالبی برخورد کردم که باعث تأسف من شد و این پرسش برآیم پیش آمد که چگونه است کسانی که سالها با سیاست سروکار داشته و مدعی پیروی از زنده یاد دکتر مصدق هستند از موقعیت حساس و خطرناکی که مردم و تمامیت ارضی ما را تهدید می کند بی اطلاع و دورمی باشند و اینطور بی مسئولیت از کنار آن می گذرند.

مطالبی که ایشان ایراد کرده هیچگونه ارتباطی با وضع موجود و مبارزه مردم با حکومت اسلامی نداشته و هیچ اشاره ای به راهکار مبارزه با آن نشده است.

آیا این نحوه عمل میتواند امروز پاسخگوی معضلات و خواسته های ملت ایران باشد؟

←

چه نفعی نصیب دل داغ دیده ملت ایران میشود که چشم هایشان به شماها که خود را وارث و پیرو راه دکتر مصدق میدانید، دوخته شده؟

توهین به شخصیت های سیاسی گذشته نمی تواند کارساز باشد. همانطور که در مقاله اخیر تحت عنوان "۱۲۳ سالگی زادروز مصدق"، مندرجه در روزنامه کیهان لندن، به آن اشاره کردم، این نحوه مبارزه جز اینکه به تداوم حکومت جمهوری اسلامی کمک نماید و برای آنان مشروعیت قائل شود، هیچ کمکی به مردم ایران در جهت برکناری حکومت استبدادی مذهبی نخواهد کرد.

از شما وابستگان به جبهه ملی که خود را از عاشقان زنده یاد دکتر مصدق میدانید، میپرسم: آیا میدانید چرا جبهه ملی بوجود آمد و پس از واقعه ۲۸ مرداد همچنان به مبارزه ادامه داد؟ اجازه بدهید عرض کنم، جبهه ملی همیشه بر این اعتقاد بود که ملت ایران باید از آزادی و رفاه بیشتری برخوردار باشد. حال بعد از ۲۶ سال که نظام گذشته کنارگذاشته شده و حکومت اسلامی بر سر کار آمده، آیا جبهه ملی و مردم

ایران به هدفهایی که داشته اند رسیده اند و یا اینکه با توجه به شواهدی که با آن روبرو هستیم، باید گفت نه تنها از آن مقدار آزادی و رفاهی که برخوردار بودیم محروم شدیم، بلکه فساد سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و همچنین خطراتی که تمامیت ارضی و موجودیت کشورمان را تهدید می کند که از دید هیچ ایرانی با شرف و با شعوری که یک جو انصاف داشته باشد پنهان نیست.

اگر شما از صمیم قلب بر این باور باشید که ملت ایران باید به آمل و آرزوهایش در بدست آوردن آزادی و رفاه که حق اوست برسد، باید با حکومت اسلامی که در حال حاضر برمسند قدرت نشسته و زالوار خون ملت را می مکد به مبارزه بپردازید و مبارزه با رژیم گذشته و شاه فقید را که دیگر حیات ندارد کنار گذاشت.

در کنگره هایی که شخصاً در آن شرکت داشتیم، از جمله کنگره نهم در دهم دسامبر سال ۱۹۸۶ در شهر فرانکفورت (بدعوت دکتر داورپناه که آقای دکتر مدنی و مرحوم دکتر شفتی هم حضور داشتند) و کنگره سراسری همبستگی جبهه ملی ایران در خارج از کشور که در فروردین سال گذشته در شهر استکهلم برگزار شد (با دعوت آقای دکتر مدنی، باتفاق فرزندان ساسان هارون مهدوی) و چه در گردهمائی های دیگر جبهه ملی در لندن، واشنگتن و غیره، به این نتیجه رسیدیم که در تمامی آنها که با هدف "همبستگی" تشکیل شده بودند، نه تنها قدم عملی در راه همبستگی برداشته نشد، بلکه بر خلاف جهت همبستگی نیروهای ملی صورت گرفت.

جبهه ملی باید با توجه به موقعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امروز ایران و خطراتی که ملت و مملکت با آن روبروست طرحی ارائه دهد که مستلزم سنجش دقیق این مشکلات باشد. بویژه به مسائل جوانان و بانوان ایران باید توجه بیشتر کرد و کوشش نمود که بعد از سقوط نظام ولی فقیه، ملت ایران از یک محیط آزاد که در آن حقوق بشر و حقوق اقلیت ها، چه مذهبی و چه قومی رعایت شود برخوردار باشد.

بر آورد این آرزو زمانی امکان پذیر است که من و شما و دیگر اعضاء جبهه ملی سعی و کوشش مان را صادقانه در راه ایجاد همبستگی و یکپارچگی همه نیروهای ملی اختصاص دهیم و با شعار سربلندی ایران و ایرانی، با گذشت نسبت به همدیگر، به میدان آمده و ایفاء وظیفه نمائیم.

با امید به آن روز